

## روند تاریخ‌نگاری در جهان اسلام

### مقدمه

تاریخ‌نگاری به عنوان یکی از ابعاد و مظاہر فرهنگ و تمدن در جامعه‌ی انسانی بهویژه در عصر جدید از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا مهم‌ترین و پژوهشی تاریخ ارائه «شناخت» و «هویت» هر فرد در جامعه خوبش است. این امر بدون شناخت و دریافت وجهه مختلف هر فرهنگ و تمدن و دانش‌هایی که در آن تمدن ظهور کرده یا تکامل یافته ممکن نخواهد بود. پژوهش درباره‌ی تاریخ‌نگاری نه تنها برای شناخت روش‌ها و آرای تاریخی مورخان ضروری است، بلکه به سبب ذکر گونی‌هایی که امروزه در پژوهش و بینش تاریخی رخ داده، راهی برای بررسی تقاضانه منابع تاریخی و مورخان هر دوره بدشمار می‌رود. (صادق سجادی و هادی عالم زاده، ۱۳۷۵: ۱۱-۳)

اهمیت و فایده‌ی بی‌شمار و ماندگار تاریخ و تاریخ‌نگاری بر هیچ فرد اندیشمندی پوشیده نیست، زیرا موضوع اصلی مفروضات و متغیرهای تاریخی، مباحثتی است که به طور عهده با تمامی ساختارهای اجتماعی پیوند عمیقی برقرار می‌کند، لذا هر فرد برای بررسی و شناخت هویت گذشته و حرکت در حال و آینده نیاز زیادی به مباحثت تاریخی دارد. با توجه به این گفتار می‌توان به این نتیجه رسید، تاریخ‌نگاری علمی است که پرداختن به آن بسیار دشوار است و در این حوزه زمانی می‌توان به تحقیق دست یازید که جستجوکننده‌ی آن پس از سال‌ها مطالعه بنواند به مهارت در این رشته برسد. برای تبحر در تاریخ‌نگاری، مقدمه‌ی آن، مطالعه‌ی مداول و بهره‌گیری از روش‌های مطالعه و پژوهش در این رشته‌ی علمی ضروری و شایسته است، بنابراین برای دست‌یابی بر معرفت و درک تاریخی مطالعه‌ی متون تاریخی لازمه‌ی پژوهش در این رشته است. (روزنیل، ۱۳۶۸: ۲۰)

مورخان و فیلسوفان در پاسخ به چیزی تاریخ پاسخ‌های زیادی ارائه کرده‌اند. عده‌ای همانند مارکس در پاسخ به حرکت تاریخ دیدگاهی ایدئولوژیکی قائل شده‌اند و برخی نیز دیدگاه جغرافیایی و یا برخی نیز مسائل فرهنگی را مطرح کرده‌اند. هریک از این پاسخ‌ها که خود برخاسته از دیدگاه‌های متفاوت درباره‌ی تاریخ است، جنبه‌های مختلف این پدیده فرهنگی را روشن می‌سازد. اما قبل از هر چیز باید بین دو معنای متفاوت واژه‌ی «تاریخ» تمایز قائل شد.

واژه‌ی تاریخ، از یک سو برای اشاره به جریان رویدادهای گذشته، یعنی لایه‌ی خاصی از واقعیت که مورد مطالعه و پژوهش آن چرخه‌ی تخصصی

- دکتر عباس بنناهی<sup>۱</sup>
- استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران



- تاریخ و تاریخ‌نگاری
- محمدرضا ناجی و دیگران
- تهران، نشر کتاب مرجع، چاپ اول، ۱۳۸۹، تعداد صفحات: ۳۴۶

در بخش نخست کتاب، ستار عودی به بررسی «واژه‌شناسی» تاریخ در زبان‌های فارسی، عربی و ترکی مپردازد و در بررسی واژه‌ی تاریخ معتقد است ریشه‌ی این واژه از «تاریخ» (در سامی به معنای ماه) است و تاریخ از مُوَرَّح یا «مورخ» اشتقاق یافته است و اشتقاق‌های دیگر را نمی‌پذیرد.

برخی نیز اصل واژه‌ی تاریخ را فارسی و برگرفته از «ماه - روز» می‌دانند که معرب آن مورخ شده است. البته نویسنده نیز در درستی این مطلب شک و تردید دارد. با این حال می‌نویسد: «لغوبان به این نتیجه رسیده‌اند که به احتمال قوی واژه‌ی تاریخ از ریشه‌ی «ازخ» یا «ورخ» سامی در میان است، زیرا ورخ (جمع آن: اورخَم) در سنگ نوشت‌های عصر پیش از اسلام به معنای ماه قمری به کار رفته است. (ناجی، همان: ۲) با توجه به استنادهای زبان‌شناسی می‌توان به این نتیجه رسید که واژه‌ی تاریخ عاریت گرفته شده از زبان عربی بوده که ب زبان فارسی نیز راه یافته است.

در بخش دوم «جایگاه تاریخ در طبقه‌بندی علوم در آثار متغیران دوره‌ی اسلامی» مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی آثار فکری متغیران متقدم اسلامی نظیر یونانی، ابوزید بلخی، ابن سینا و فارسی آن‌ها به تأثیر متغیران یونانی، در طبقه‌بندی علوم جایگاه خاصی برای تاریخ در علوم اسلامی قائل نشده‌اند. نخستین کوشش برای تثبیت جایگاه و موقعیت علم تاریخ در میان سایر علوم توسط ابوعبدالله خوارزمی در مفاتیح العلوم صورت گرفته است. وی از تاریخ به عنوان یکی از اصطلاحات ایران و دیوان رسایل یاد کرده و به جای «تاریخ» عنوان «خبر» را برای بیان رویدادها و سرگذشت‌های پادشاهان و خلفاً برگزیده است. (همان: ۳) بعد این سایر مؤلفان و دانشمندان اسلامی به تأسی از وی و یا به طور مستقل درباره‌ی جایگاه علم تاریخ در میان سایر علوم اسلامی بحث‌های مستقلی ارائه کرده‌اند. با وجود تأثیر پذیری مسلمانان از یونانیان در این حوزه، اشاره‌ای در ارتباط با میزان تأثیر گذاری یونانیان و سریانی‌ها در تقسیم‌بندی علوم به ویژه علم تاریخ توسط مؤلف اشاره نشده است.

در بخش سوم، «تاریخ‌نگاری اسلامی» توسط محمدرضا ناجی مورد بررسی و توصیف و تحلیل قرار گرفته است. نویسنده‌ی این مقاله معتقد است، اعراب در عصر جاهلیت برخی از روزهای مهم که شامل افتخارها، تعصبهای فومی و سنتیزهای خاندانی و قبیله‌ای بود تحت عنوان «ایام العرب» حفظ کرده و سینه به سینه به شکل حمامی به نسل آینده انتقال می‌دادند. (همان: ۷)

پس از اسلام نیز برای شرح فتوح و جنگ‌ها و وقایع مهم این عنوان در برخی از تکنگاری‌ها به کار رفت، اما پس از ظهور اسلام با ترغیب اموزه‌های قرآنی و تعالیم نبوی توجه به تاریخ نهاده‌ینه شد. بنابراین تحت تأثیر بینش‌های قرآنی و حدیث، مسلمانان به سیره و مغاری پیامبر اکرم به منزله‌ی نخستین و مهم‌ترین موضوع برای مطالعات تاریخی توجه خاصی نشان دادند. (همان: ۹)

تاریخ‌نگاری در میان مسلمانان نخست به صورت وقایع‌نگاری آغاز نشد، بلکه، اولین نمونه‌های تاریخ تکنگاری در اسلام آثاری است که بر محور شرح سیره و زندگانی پیامبر اسلام تألیف گردید و در تدوین آن اصول علم حدیث رعایت شده است. مؤلفانی که در این شکل تأثیراتی انجام داده‌اند به آن‌ها اخباری گفته می‌شود. بعدها شکل‌ها و مکتب‌های متعددی در این حوزه شکل گرفت. (همان: ۱۱ و ۱۰)

مورخان است، و از سوی دیگر، برای اشاره به پژوهش، مورخ درباره‌ی رویدادهای گذشته، یعنی نوع خاصی از پژوهش با موضوعی خاص به کار می‌رود. (مایکل استنتفورد، ۱۳۸۵: ۲ و ۱) در تعییر نخست منظور بررسی «واقعیت‌های تاریخی و حوادث مربوط به آن است و در معنای دوم منظور علم تاریخ است.

با توجه به کارکرد تاریخ و تعییرهای متفاوتی که از آن در ذهن متبار می‌شود، باید ریشه‌ی واژه‌ی «تاریخ» در زبان‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. از لحاظ ریشه‌شناس شکل نوشتاری Histoire که از آغاز رنسانس به همین شکل ضبط شده است. در زبان فرانسه قرون وسطی این کلمه به صورت estoire به کار برده شده که این واژه میراثی از یونان و به بیان دقیق‌تر از گویش ایونی است. کلمه‌ی Histoire مربوط است به ریشه‌ی هندواروپایی *wid* به معنی دیدن. در زبان یونانی Enquet به معنای تحقیق‌آمده است و واژه‌ی Histoire به معنای تاریخ و شناخت گذشته اختصاص یافته است. (شارل ساماران و دیگران، ۱۳۷۵: ۱ و ۲)

۲۴ و ۲۵ با توجه به معنی و مفهوم واژه‌ی «تاریخ» در زبان‌های لاتینی، تاریخ در لغت و فرهنگ فارسی به معنای تعیین زمان و رویدادهای است. این واژه در عربی، فارسی و ترکی با مفاهیم متعدد به کار می‌رود. در قرآن کریم و احادیث واژه‌ی تاریخ به کار نرفته است. نخستین بار این کلمه در متابعه تاریخی سده‌ی دوم دیده شده از قرن سوم هـ. ق به بعد کاربرد آن رایج گردیده است. درباره‌ی ریشه و اشتقاق آن میان واژه‌شناسان عرب اختلاف نظر وجود دارد. (محمد رضا ناجی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱)

بدون شک و تردید علم تاریخ با چنین معرفت و شناختی توانست دستاوردهای مدنی‌ها و فرهنگ‌ها را به حال و اینده منتقل نماید. بی‌گمان نخستین قدم‌ها در سیر تکامل تاریخ‌نگاری توسط هردوت (م ۴۸۵ پ.م)، هلانیکوس (م ۳۹۵ پ.م) و توسيید (م ۳۳۹ پ.م) صورت پذیرفت. تاریخ در نگاه مورخان باستان شرح حکایت‌های روزگار بود که از طریق مشاهده برای مورخان حاصل می‌شد و گاهی نیز برخی از مورخان نظری هردوت برای تقویت روایی حمامی و برانگیختن حسن نفرت یونانی‌ها علیه سایر ملت‌ها، درحالی که آنچه موجب شور و شوق مردم امروز به فraigیری تاریخ موجب می‌شود و یا این که محققان به پژوهش در این حوزه می‌کشانند، تنها شناخت گذشته نیست، بلکه به تعییر محروم زرین کوب معنی و هدف گذشته و آینده نیز می‌باشد، این معنی در رهیافت‌های تاریخی به تاریخ‌نگری تعییر می‌شود. (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۱۹۸)

### موضوع کتاب

کتاب حاضر با بحث مفصلی درباره‌ی علم تاریخ از ریشه‌شناسی واژه تاریخ آغاز می‌شود و پس از بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری و انواع آن در جهان اسلام از آغاز تاریخ اسلام تا عصر معاصر می‌پردازد.

در حقیقت بحث مورد اشاره؛ «تاریخ و تاریخ‌نگاری» بخشی از مقالات ذیل واژه‌ی «تاریخ» در دانشنامه‌ی جهان اسلام است که به صورت جداگانه به اهتمام انتشارات کتاب مرجع به صورت مجموعه‌ای جداگانه چاپ و منتشر شده است. از نظر ساختار موضوعی کتاب شامل یک پیشگفتار، یازده بخش که هر بخش به یک موضوع درباره‌ی قلمرو تاریخ‌نگاری اختصاص یافته است، په نوشت‌ها و منابع، نمایه و نشانه‌ها و اختصارات مشتمل شده است.

اکرم، تکنگاری‌هایی درباره‌ی سرگذشت خلفا، فرمانروایان، داشمندان، اولیاء و علماء هم نگاشته شد.

از قرن هفتم هجری به بعد تألیفاتی براساس محدوده‌ی زمانی سده‌ها فرآهم آمد که عمدتاً به شیوه‌ی عام و الفبایی است و در ردیف سرگذشت‌نامه‌ها قرار می‌گیرد، این متون تاریخی در اصطلاح تاریخ‌نگاری «سده‌نامه‌ها» گفته می‌شود. (همان: ۴۸)

تاریخ‌نگاری محلی یکی از مهم‌ترین سبک‌های تاریخ‌نگاری به جهت اهمیت آن در شرح گزارش‌های تاریخی است، علت اهمیت این شیوه به جهت عدم توجه تاریخ‌نویسان عمومی و سایر مورخان به حوادث جزئی ولایات و شهرها است. در جهان اسلام تاریخ‌های محلی بسیاری با صبغه‌ی علمی یا سیاسی تدوین شد. کهن‌ترین تاریخ محلی موجود که به تراجم رجال اختصاص بافت، تاریخ واسطه‌ای اسلم بن سهل رژا معروف به پحشل واسطی (متوفی ۲۸۸) است. (همان: ۵۱)

اگر پذیریم که رویداد‌های تاریخی نه تنها در راستای زمان بلکه در گستره مکان نیز وقوع یافته و تحت تأثیر عوامل جغرافیائی نتایج متفاوتی دارند، (شارل ساماران و دیگران، ۱۳۷۵، ج اول: ۱۰۷) بنابر این عوامل جغرافیایی یکی از پدیده‌های مؤثر در تحولات تاریخی و انسانی محسوب می‌شوند. در طول تاریخ ایران تاریخ‌نگاران ایرانی به طور کلی توجه زیادی نسبت به اوضاع اجتماعی مناطق مختلف ایران نداشتند، زیرا رویکرد انسانی تاریخ‌نگاری درباری بود و مورخ حوادث و تحولات اجتماعی دربار پادشاهان را نگارش می‌کرد. با این حال مورخان محلی افرادی بودند که با انگیزه‌های متفاوتی نسبت به تاریخ‌نگاران درباری تألیف‌های گوناگونی درباره‌ی مناطق مختلف ایران نگارش کرده‌اند. مهم‌ترین انگیزه‌ی آنان از تدوین تاریخ منطقه‌ای که در آن ساکن بودند، «حب وطن» - علاقه به زادی‌شان بوده است.

همواره در پژوهش‌های تاریخی، تاریخ‌های محلی به جهت این که گزارش‌های مفیدی علاوه بر اوضاع تاریخی درباره شرط‌اتجاعی، فرهنگی و اقتصادی ارائه می‌دهند، اهمیت فراوان دارند. در مطالعه و پژوهش حاضر تأکید محقق بر تاریخ‌های محلی است. این آثار بیشترین داده‌ها و اطلاعات تاریخی در موضوع‌های مختلف را در آثار خود بازتاب داده‌اند، بنابراین نگارنده با تکیه بر این مأخذ و همچنین دیگر مأخذی که درباره گیلان عصر صفویه مطالبی ثبت و نگارش کرده‌اند، تحقیق حاضر را انجام داده است.

دکتر زرین کوب درباره‌ی علت تألیف و اهمیت تاریخ‌های محلی می‌نویسد: «در این گونه تاریخ‌ها که غالباً اطلاعاتی درباره شد و چون در این نوشته‌اند، معلومات مفیدی درباره حوادث و وقایع اوایل فتوح اسلام مندرج است و در واقع موجب تأییف این گونه تاریخ‌ها در اوایل ظاهراً تا حدی تدوین اطلاعات دربار کیفیت فتح بالاد بوده است تا در مورد اخذ و جمع مال و خراج، اساس و زمینه‌ی موافق و درستی در دست باشد و چون در این باب برحسب آن که شهری به صلح گشوده شده باشد یا به جنگ، حکم خراج تفاوت داشته است؛ در هر شهری از قدیم و افغان و علاقومندان به تدوین اطلاعات و جمع اخبار می‌پرداخته‌اند و بعدها دیگران برآن اطلاعات و اخبار مطالب تازه‌ای می‌افزوندند و سوانح احوال امراء و سلسله‌های محلی را نیز یادداشت می‌کردند. از این گونه تاریخ‌های محلی که در هر حال

وقایع‌نگاری به عنوان شکل نوین و رسمی تاریخ‌نگاری در حقیقت از سده‌ی سوم هجری آغاز شد و در این قالب مورخان بزرگی در جهان اسلام به تدوین تاریخ اسلام و ایران و جهان اسلام پرداختند. در وقایع‌نگاری دوره‌ی اسلامی، رویدادهای گوناگون به صورت سال شمار یا براساس دوران حکومت خلفاً شرح داده می‌شود. در این روش، رویدادی که دوره‌ای چند ساله را دربرمی‌گیرد، معمولاً نقطیح می‌شود و ضمن وقایع سال‌های متعدد یا دوره‌ی خلافی پیاپی می‌آید. شماری از آثار مهم تاریخی ایران بیش از اسلام، مانند خدایانه، تاج‌نامه و آئین نامه را کسانی چون ابن متفق به عربی ترجمه کردند. اما به علاوه عقیده‌ی روزنگار هیچ یک از نوشته‌های ایرانی دوره‌ی ساسانی یا آثار تاریخی یونانی و بیزانسی، الهام‌بخش و قایع‌نگاران مسلمان نبوده است. در واقع همه‌ی کتاب‌هایی که از آن‌ها اطلاعی در دست است، مدت‌ها پس از آن که وقایع‌نگاری در نوشته‌های تاریخی اسلامی ظاهر شده، تألیف نشده‌اند. (همان: ۲۰)

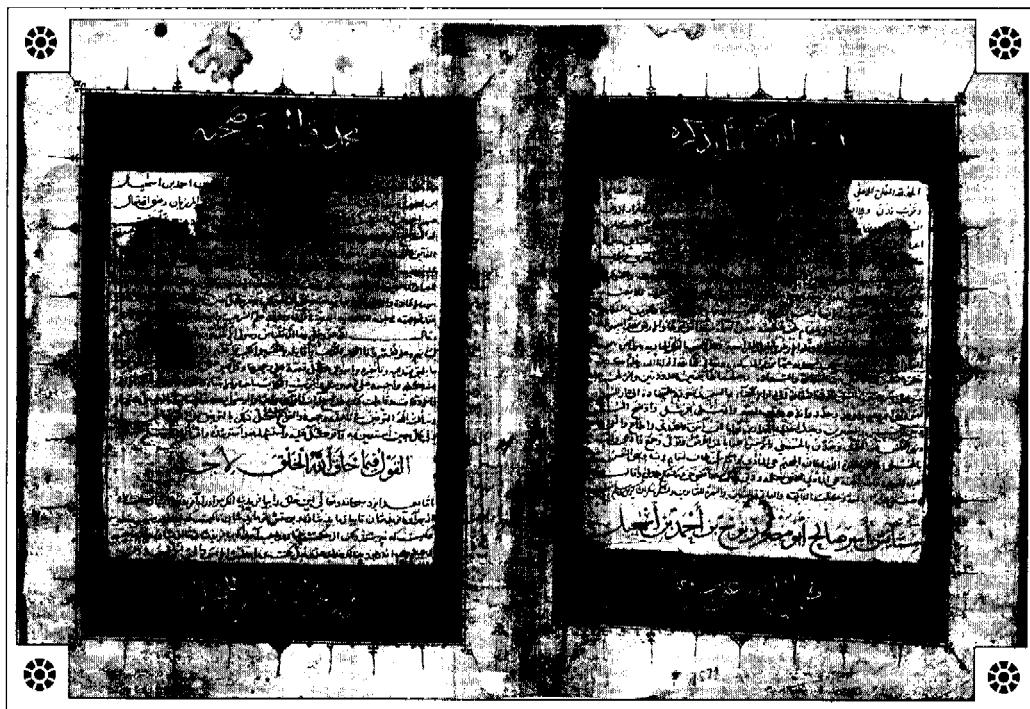
از مباحث دیگر این بخش، بررسی شیوه‌ی سال‌نامه‌نگاری و تاریخ‌های عمومی است. به عقیده‌ی مؤلف این نوع از متون تاریخی از منابع مهم تاریخی اند که به بررسی تاریخ عمومی جهان می‌پردازند، این متون از اوضاع جغرافیایی، مسالک و ممالک تا مباحث قومی را نیز در بر می‌گیرد. (همان: ۲۲)

ذیل‌نامه‌نویسی و مختص‌نامه‌نویسی از شیوه‌های دیگر تاریخ‌نویسی بود که در ذیل و تکمله‌ی بسیاری از متون مهم و معتبر تاریخی معمول گشت، نخستین مورخی که ذیلی بر تاریخ نگاشت، طبری بود. وی بر تاریخ خود تکمله‌ای افزود. (همان: ۲۶)

نسبت‌نامه‌نویسی از دیگر شیوه‌های تاریخ‌نگاری بود که اعراب در عصر جاهلیت به صورت نقل شفاهی به منظور تبارشاسی و حفظ نزد و تبارخود به آن علاقه زیادی داشتند. در این روایتها تنها نامه‌ای در قالب شجره ذکر می‌شده است و به سختی می‌توان پذیرفتش که حاوی مطالب و رویدادهای تاریخی درباره افراد مورد بحث بوده است. با این حال نسبت‌نامه‌هایی که پس از اسلام تدوین شده‌اند، از نظر صحت تاریخی مشکوک به نظر می‌رسد. سرآمد نسبت‌نامه‌ی محمدبن سائب کلبی (متوفی ۱۴۶) بود که بیشتر نسبت‌نامه‌نویسان بعدی به روایت از کتاب‌های او پرداخته‌اند. (همان: ۲۶ و ۲۷)

تاریخ‌نگاری به شیوه‌ی طبقات، نیز از که در حقیقت منشأ اسلامی - عربی دارد از کهن‌ترین شیوه‌های تاریخ‌نگاری مسلمانان است که در این شیوه افراد متعلق به یک گروه یا دوره یا نسل (طبقه) در یک ردیف جای گرفته و شرح حال آنان به ترتیب زمانی به دنبال هم نقل و روایت می‌شود. (همان: ۳۹) از نخستین آثاری که در این زمینه تدوین گشت می‌توان به کتاب الطبقات الکبری اثر محمدبن سعد مشهور به کاتب واقعی اشاره کرد. (همان: ۴۰)

سرگذشت‌نامه‌ها نیز از آثار عام تاریخی محسوب می‌شود که در حقیقت کهن‌ترین شکل روایت تاریخی است و از آغاز تاریخ‌نگاری مسلمانان سهم مهمن در تاریخ‌نگاری مسلمانان داشت، علت رواج این شیوه شاید تدوین سیره پیامبر اسلام بوده است که مورخان این سبک همگی به آن در کتاب‌هایشان پرداخته‌اند و به ترتیب سایر موضوع‌های تاریخی را به دنبال هم نقل و روایت کرده‌اند. (همان: ۴۱) بعدها به تأسی از سیره‌ی پیامبر



از نخستین مورخان اهل تشیع محسوب می‌شود. بعدها مورخان تشیع به دلیل علاقه‌ای که به امام علی و ائمه داشتند، داستان زندگی ایشان را در قالب تکنگاری از زندگانی امام علی اختصاص دارند. (همان: ۸۲)

علاوه بر سیره‌نویسی و تکنگاری درباره‌ی زندگانی ائمه تشیع برخی از متون تاریخی به شیوه‌ی معمول، ذیل بررسی و گزارش تاریخ جهان اسلام، به زندگانی ائمه توجه ویژه‌ای نشان دادند، بنابراین پیش از مورخان بزرگی نظریه‌مسعودی و یعقوبی، برخی از نویسنده‌گان تشیع نظریه ابان بن عثمان درباره‌ی تاریخ تشیع اثر مهمی تحریر کرد. (همان: ۹۰)

با آن که بخش زیادی از متون اهل تشیع به صورت تاریخ‌های عمومی، تکنگاری‌های رجال و سایر شیوه‌ها تهیه و تنظیم شده است، اما در این میان تاریخ‌های محلی جایگاه ویژه‌ای در بازتاب تاریخ شیعیان، جنبش‌ها و افکار اهل تشیع دارند. این کتاب‌ها درباره‌ی مکه و مدینه، مراکز شیعه‌نشین مانند کوفه و سپس قم و ری، که سده‌های هتمدی پایگاه مهم فعالیت اخباریان و محدثان و فقهاء و متكلمان شیعه بودند، بغداد پایتخت عباسیان و نیز شهرهایی مانند موصل که زمانی تحت حکومت دولت شیعی حمدانیان بود، تألیف شده است. (همان: ۹۵)

از سایر کتب مهم و شیوه‌های تاریخ‌نگاری می‌توان به کتاب‌های انساب، طبقات و رجال اشاره کرد.

در بین فرقه‌های اهل تشیع، تاریخ‌نگاری اسماعیلیان از اهمیت زیادی برخوردار است. این فرقه به جهت ساختار فکری و عقیدتی خود و از سوی دیگر به دلیل این که هم از سوی شیعیان و هم اهل سنت دشمنان زیادی داشتند، سعی نمودند از نظر فکری و عقیدتی تلاش‌های زیادی انجام دهند، بنابراین تاریخ‌نگاری اسماعیلیان به طور کلی با جهت‌گیری‌های سیاسی آنان پیوند نزدیکی داشته است. اسماعیلیان علاوه بر این که از سوی حاکمان سیاسی مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند، به شدت از سوی علماء،

غالباً مشحون از آگاهی‌ها و اخبار مفید و کمنظیر و در بعضی موارد نیز حاوی قصه‌ها و روایت‌های مبالغه‌آمیز است، نمونه‌های این موارد به طور گسترده در زبان و ادبیات فارسی وجود دارد. (زربن کوب، ۱۳۷۱: ۵۱)

تاریخ‌نگاری دودمانی نیز شیوه‌ی رایج تاریخ‌نگاری اسلامی است که از آغاز مبتنی بر شرح واقعی حکومت خلفاً و سلاطین بود. در این شیوه‌ی تاریخ‌نگاری بس از زوال قدرت مرکزی خلافت اسلامی رونق بیشتری یافت. دوران حکومت حاکمان مناطق مختلف اسلامی به عنوان تنها اصل تنظیم مطالب به کار رفت. در نحوه‌ی تنظیم تاریخ حکومت امویان و عباسیان از همین شیوه پیروی شده است. یکی از نخستین کسانی که تاریخ دودمانی نوشته و به رواج این شیوه در تاریخ‌نگاری پرداخت، عوانه بن حکم کلبی «متوفی ۱۴۷ هـ - ق» است که «سیره معلویه و بنی امیه» را نگاشت (همان: ۶۴) بعد این شیوه‌ی توسط تاریخ‌نگاران ایرانی جهت تدوین گزارش حوادث سلسله‌ها، دودمان‌ها و حاکمانی که در ایران حکومت می‌کردند به کار رفت.

بخش چهارم کتاب به تاریخ‌نگاری شیعیان اختصاص یافته است. با آن که تاریخ‌نگاری شیعیان از اوآخر سده‌ی چهارم ۵ - ق در نتیجه‌ی حمایت آل بویه و حکومت‌های شیعی شروع گشت، اما برخی بر این غفیده‌اند که تأثیف نخستین کتاب‌های تاریخی و فقهی شیعه در سده‌ی اول و روزگار امام علی (ع) آغاز شد. (ناحی، همان: ۷۹) براساس این دیدگاه آیات قرآن و تعالیم نبوی و رهنمودهای ائمه خصوصاً امام علی، بیشترین تأثیر را در توجه اصحاب به تاریخ داشت و الگوبرداری از رفتارهای فردی و اجتماعی پیشوایان دین، انگیزه‌ی روایت و تدوین و تأثیف سیره‌ی آنان شد. بنابراین سیره و جنگ‌های پیامبر اکرم به اندازه‌ای مورد توجه نویسنده‌گان و متفکران اهل تشیع بود که برخی از «اصحاب مغاری» را تنها با گرایش شیعی می‌شناختند. ابان بن عثمان احمر بخلی (متوفی، ۱۷۰ هـ -)

کتاب حاضر با بحث مفصلی درباره‌ی علم تاریخ  
از ریشه‌شناسی واژه تاریخ آغاز می‌شود و پس از  
بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری و انواع آن در جهان  
اسلام از آغاز تاریخ اسلام تا عصر معاصر می‌پردازد

تاریخی و سلاطین تأکید دارند، اشاره کرد. (همان: ۱۱۸) علاوه بر تکنگاری‌ها می‌توان تاریخ‌نگاری منظوم را نام برد، این متون بهویژه از عصر مغول آغاز شده و تا دوره‌ی معاصر ادامه یافت.

دسته‌ی دیگر از متون تاریخی که به صورت جنبی به تاریخ ایران توجه داشته است، آثاری است که ذیل عنوان، سفرنامه‌ها، خاطرات، روزشمارها، شرح حال‌ها، وقایع‌نگاری، منشات و استناد دیوانی اشاره کرد. در بین آثار اشاره شده، سفرنامه‌های شخصیت‌های علمی و فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار است. از جمله‌ی این سفرنامه‌ها می‌توان به سفرنامه‌های ناصرخسرو و ابن بطوطه اشاره کرد که محتوای آثار آن‌ها موضوع‌های نظری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را دربر می‌گرفته است. (همان: ۱۲۰)

در ادامه‌ی این بخش سیر تاریخ‌نگاری در ایران پیش از اسلام مورد بحث قرار گرفته است، در ایران پیش از اسلام به جهت فقدان آثار مکتوب آثار زیادی به عصر اسلامی که نشان‌دهنده‌ی اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن دوره باشد، انتقال نیافته است. (همان: ۱۲۵)

اوج تاریخ‌نگاری ایرانیان از سده‌ی سوم هجری آغاز شده و در عصر ایلخانان، تیموریان و صفویه به اوج می‌رسد، سرانجام در اوایل عصر صفویه پس از انحطاط در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران تاریخ‌نگاری به عنوان بخشی از میراث فکری و فرهنگی تا پایان عصر قاجار متکلف و به انحطاط مبتلا می‌شود، اما از اوایل عصر قاجار پس از آشنازی ایرانیان با غرب و رواج ساده‌نویسی و همچنین واردشدن روش‌شناسی در بینش تاریخی، تاریخ‌نگاری ایرانیان متحول می‌شود، با این حال همان سکستی تا مدت‌ها در نوشه‌های تاریخی بهویژه تاریخ‌نگاری رسمی ادامه یافت.

بخش هفتم کتاب حاضر، درباره‌ی تاریخ‌نگاری آفریقا در دوره‌ی اسلامی است. در این بخش نخست تاریخ‌نگاری شمال آفریقا به عنوان بخش مهمی از گرفتاری این سرزمین بررسی شده است. تاریخ‌نگاری این بخش از جهان اسلام از قرن چهارم هجری آغاز شده است. در ادامه‌ی بخش تاریخ‌نگاری غرب و مرکز آفریقا نیز مورد توجه قرار گرفته است. این بخش از آفریقا بدلیل شرایط نامساعد آب و هوایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و قدمت تاریخ‌نگاری آن به دو سده‌ی اخیر بازمی‌گردد. (همان: ۱۷۸)

بخش هشتم کتاب تحت عنوان تاریخ‌نگاری اندلس است، نخستین بار تاریخ این سرزمین تحت عنوان؛ تاریخ شبه‌جزیره ایرانی که در سال ۹۲ هجری جزء ممالک اسلامی شد، توسط مورخان مصری صورت گرفت و از نخستین کتابی که درباره‌ی این سرزمین نوشته شده است، تاریخ

فقها و متکلمین مورد لعن و نفرین و سرزنش بودند، هجممه‌ی فعالیت‌های ضدسامعیلی در تاریخ موجب شد تا آن‌ها از ابزار تقیه استفاده کنند و این مسئله در آثار فکری و تاریخی آنان دیده می‌شود. آن‌ها به جهت سابقه‌ی تعلیم و نیز به سبب لزوم سری نگهدارش فعالیت‌های خود در سرزمین‌های مخالفان خود، علاقه‌ی خاصی به تدوین تاریخ، سال‌شمار یا دیگر انواع گزارش‌های تاریخی نداشتند، بنابراین با توجه به این عدم علاقه‌مندی، آثار تاریخی زیادی که نشان‌دهنده‌ی تنوع در تاریخ اسلامیان باشد، از سوی مورخان اسلامی مذهب دیده نمی‌شود. قضی نعمان اثر خود را به عنوان نخستین تاریخ درباره‌ی اسلامیان است، تحت عنوان «افتتاح الدعوه» را در سال ۳۴۶ هـ - ق تألیف کرده است (همان: ۱۰۱) بعدها به شیوه‌ی وی آنرا توسط اسلامیان ایران، شام و فاطمیان مصر در زمینه‌ی تاریخ آراء، افکار و فعالیت‌های سیاسی آن‌ها نوشته شد. برخی از اسناد و نوشتة‌های تاریخی و مذهبی اسلامیان بعدها پس از سقوط آن‌ها و گشوده شدن درهای قلعه‌ها بهویژه الموت توسط مخالفان آن‌ها نظیر عظاملک جوینی در کتاب‌هایشان منعکس شده است.

در بخش ششم، تاریخ‌نگاری ایران و انواع شیوه‌های تاریخ‌نگاری که درباره‌ی تدوین تاریخ ایران و آثار تاریخی و فرهنگی نگارش شده‌اند، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بکی از مهم‌ترین اقسام و شیوه‌هایی که موضوع و مباحث و سلسله‌های ایرانی را مورد بررسی قرار داده است، تاریخ‌های عمومی است. این نوع متون تاریخی از سده چهارم هجری تا پایان دوره‌ی قاجار از شیوه‌ای مسلط در تاریخ‌نگاری بوده است.

مؤلفان این گونه آثار جهان‌بینی اسلامی داشتند و در تاریخ جهان بیشتر به روایت‌های ایرانی و اسلامی توجه می‌کردند و به تاریخ جهان بیشتر به روایت‌های ایرانی و اسلامی توجه می‌کردند و به تاریخ یونان و روم، چین و هند پیش از اسلام کمتر می‌پرداختند. این مورخان آثار خود را از خلقت عالم آغاز می‌کردند و پس از شرح آفریش آدم و سرگذشت پیامبران به تاریخ اساطیری ایران از کیومرث می‌پرداختند و تا پایان عهد ساسانی را نگارش می‌کردند. و در ادامه‌ی تاریخ اسلام را از زندگی پیامبر را آغاز و سپس رویدادهای تاریخی را به ترتیب واقعی تا دوره‌ی مورد زندگی مورخ ادامه می‌دادند. (همان: ۱۱۱)

خوشبختانه متون تاریخی درباره‌ی تاریخ ایران متعدد و گسترده است. از دیگر شیوه‌های تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسی ایرانیان می‌توان به متون تاریخ محلی، تاریخ‌های دودمانی، تکنگاری که بیشتر بر زندگی شخصیت‌های

**ذیل‌نامه‌نویسی و مختصر‌نویسی از  
شیوه‌های دیگر تاریخ‌نگاری بود که در ذیل و تکمله‌ی  
بسیاری از متون مهم و معتبر تاریخی معمول گشت،  
نخستین مورخی که ذیلی بر تاریخ نگاشت، طبری  
بود. وی بر تاریخ خود تکمله‌ای افزود**

## جهان اسلام

اسلام است و در این نوع متون پایه‌ی نگارش و تحلیل بر مبنای اختصار است، اما نویسنده‌گان این مقالات مباحث جامع و متنوعی درباره‌ی سیر تاریخ نگاری در جهان اسلام و در مقالات خود ارائه کرده‌اند. با وجود نکات ارزشمند در مقالات چاپ شده سطح علمی و تحلیلی همه‌ی مقالات یک دست و با کیفیت نیست. نکته‌ی دیگری که به عنوان ضعف اثر محسوب می‌شود درباره‌ی عنوان کتاب است؛ عنوان و موضوع کتاب با محتوای آن متناسب نیست، زیرا عنوان کتاب حاضر تاریخ و تاریخ‌نگاری است، که عنوانی عام درباره‌ی تاریخ‌نگاری است. براساس موضوع کتاب نویسنده‌گان کتاب حاضر می‌بایست نه سیر تاریخ‌نگاری در جهان اسلام، بلکه ایران پیش از اسلام و جهان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌نادند، در حالی که کتاب حاضر تنها به بررسی سیر تاریخ‌نگاری جهان اسلام از ظهور دین اسلام تا دوره‌ی معاصر را مورد ارزیابی قرار داده است. لذا شایسته بود پدیدآورنده‌گان اثر حاضر عنوان کتاب را «تاریخ‌نگاری در جهان اسلام» قرار می‌دادند. شیوه‌ی بررسی نویسنده‌گان حاضر به دليل تعدد مقالات و نگارنده‌ها متفاوت است، و از سوی دیگر نویسنده‌گان مقاله‌ی تنهای گزارش از نویسنده‌گان و مورخانی که در یک دوره‌ی تاریخی متن و یا گزارشی نوشته‌اند ارائه کرده‌اند و از تجزیه و تحلیل کمیت و کیفیت متون تاریخی متنوعی درباره‌ی شرح فتوحات و تاریخ این خاندان تدوین کرده‌اند. (همان: ۲۰۹ - ۲۰۸)

با وجود این کتاب حاضر گزارش کاملی از سیر تاریخ‌نگاری در جهان اسلام در اختیار تاریخ پژوهان قرار داده است.

### منابع

- زین کوب، عبدالحسین؛ تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۷۱.
- زین کوب، عبدالحسین، تاریخ در توازن، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵.
- سجادی صادق و عالم زاده هادی، تاریخ‌نگاری در اسلام، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۵.
- شارل سامارن و دیگران، روش‌های پژوهش در تاریخ، ترجمه‌ی گروه مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، ج اول.
- ناجی و دیگران، محمدرضا، تاریخ و تاریخ‌نگاری، تهران، نشر کتاب مرجع، ۱۳۸۰.

الاندلس است. (همان: ۱۹۲) تاریخ‌نگاری اندلس متعدد و متعدد است، زیرا این سرزمین به مدت چند سده به عنوان تنها یا بیگانه علم و اندیشه در اروپا محسوب می‌شد و رونق تاریخ‌نگاری آن بیشتر به سده‌ی سوم تا پنجم هجری باز می‌گردد که امیان در این سرزمین در اوج قدرت به سر پردازند. (همان: ۱۹۴ - ۱۹۱) بخش نهم بررسی تاریخ‌نگاری عثمانی و ترکیه نوین است. براساس تقسیم‌بندی مقاله‌ی حاضر سیر تحول تاریخ‌نگاری در امپراتوری عثمانی و ترکیه نوین به چهار دوره تقسیم می‌شود.

۱- از آغاز تا حدود ۹۰۵ - ۲- مرحله‌ی دودمانی / حکومتی تا حدود، ۳- مرحله‌ی اوخر امپراتوری که تاریخ‌نگاری در سیطره‌ی واقعه‌نویس (مورخ رسمی) بود. ۴- تاریخ‌نگاری معاصر از حدود ۱۳۲۷، ۱۳۰۹ به بعد.

نخستین متن تاریخی که از عثمانی‌ها در تاریخ باقی مانده است، تحت عنوان «لاستان» است که قطعه‌ای است. کوتاه و منظوم در ستایشی این خاندان توسط شاعری به نام احمد (متوفی ۸۱۵ هـ) (ق) بعدها این اثر به اسکندر نامه ضمیمه شده است. (همان: ۲۰۱) بعدها عثمانی‌ها به جهت فتوحاتی که در خاورمیانه و اروپا انجام داده‌اند، مورخان درباری و رسمنی متون تاریخی متنوعی درباره‌ی شرح فتوحات و تاریخ این خاندان تدوین کرده‌اند. (همان: ۲۰۹ - ۲۰۸)

بخش دهم تحت عنوان تاریخ‌نگاری در هند دوره‌ی اسلامی است. با آن که برخی بر این عقیده‌اند که تاریخ همراه مسلمانان به هند وارد شده است، اما با توجه به تحقیقات انجام شده، آشکار شده است که از قرن ششم هجری نشانه‌هایی از اثار و متون تاریخی هند دیده می‌شود. با این حال اوج تاریخ‌نگاری هند را باید در دوره‌ی سیاست‌تموریان در این سرزمین جست‌وجو کرد. در این دوره به جهت مهاجرت گروه‌های اهل فرهنگ ایران عصر صفویه به هند، علاوه بر شکوفائی فرهنگی، متون تاریخی عمده‌ای درباره‌ی هند تدوین شده است. (همان: ۲۲۴ - ۲۱۵)

آخرین بخش کتاب حاضر تحت عنوان تاریخ‌نگاری اندونزی و مالزی است. با وجود این که سرزمین‌های مورد اشاره بسیار دیرتر و توسط گروه‌های جاری و مذهبی به اسلام گرویدند، اما از قرن یازدهم آثار متنوعی درباره‌ی چگونگی گرایش آنان به اسلام و تاریخ و فرهنگ اسلام اندونزی و مالزی نگارش شده است.

### پی‌نوشت

1 . E.MAIL: Panahi76@yahoo.com

با وجود آن که کتاب تاریخ و تاریخ‌نگاری بخشی از دانشنامه‌ی جهان

### نقد و نظر